نهج‌البلاغه را بيشتر بخوانيم

10 مهر 1401

اوايل دهه شصت وقتي امير نادري در فيلمسازي به نگاه تازه‌اي رسيد، در مصاحبه‌اي دليل عبور از تنگنا و رسيدن به دونده را خواندن كتاب صد سال تنهايي ماركز و ديدن چند فيلم و آشنايي بيشتر با امپرسيونيسم و... دانست. نادري بر خواندن چندين باره صد سال تنهايي (بيش از پنجاه بار) تاكيد كرد و به نحوي به حفظ آن كتاب اعتراف كرد.

اين روزها با آنچه در خيابان‌ها و پياده‌روهاي بعضي از شهرهاي ايران رخ مي‌دهد بيش از پيش به امير نادري و اين گفته‌اش فكر مي‌كنم. دليلش ربط چنداني به نادري و موضع‌گيري‌اش نسبت به وقايع امروز نيست. بيشتر به خواندن چندين و چند باره كتاب برمي‌گردد. تجربه‌اي كه او به خوبي پشت سر گذاشت و به تغيير مثبتي رسيد. تغييري كه بي‌شك با دانايي و كتابخواني امكانش فراهم مي‌گردد.

به گمانم همه كساني كه امروز به پشتوانه جايگاهي كه دارند در قدرتند و درباره شرايط روز سخن مي‌گويند، بيشترشان بهترين كتاب همه عصرها را نخوانده‌اند. كتابي كه با موضعي كه مي‌گيرند بايد در رديف كتاب‌هاي باليني‌شان باشد. منظورم كتابي است كه قرن‌ها از شكل‌گيري‌اش مي‌گذرد اما تاريخ و محتوايش ثابت كرده كتاب همه عصرها است. مي‌تواند وفاي به عهد، پرهيز از دروغ، برخورد با نيازمندان، راستگويي، برخورد با مخالف و بالاتر از همه مردمداري و حكومت كردن را به بهترين نحو به آدم بياموزد. خصوصا آدمي كه زمانه، شرايط يا مهم‌تر از همه مردم به جايگاهي رسانده‌اند. كتاب اگر چه قطري بيش از پانصد صفحه دارد اما طوري است كه خواندن يك بخش كوتاهش هم مي‌تواند راهگشا باشد. براي زمامداراني كه نخواندن كتاب رسم ديرينه‌شان است و نبود وقت را براي نخواندن كتاب دليل قانع‌كننده‌اي مي‌دانند يك نامه حدودا هفده صفحه‌اي اين كتاب مي‌تواند آنها را به كارهاي خوبي وادار كند. كارهايي كه براي درك و فهمش خواندن چندين باره اين صفحات و از آن مهم‌تر باور به انديشه‌ها و آموزه‌هاي انساني است كه در عدالت و آزادگي بي‌نظير بود.

كاش امكان اين وجود داشت تا از كساني كه اين روزها به هر كه مخالف خودشان است فحش و ناسزا مي‌دهند پرسيده شود چند بار كتاب نهج‌البلاغه را خوانده‌ايد، اگر پاسخ‌شان يك‌بار باشد هم كافي است. اما نه! براي آنكه دريابيم كتابي باعث تاثير و تغيير آدمي مي‌شود بايد به نتايجش نگاه كنيم. خواندن و تعريف از بهترين كتاب‌هاي دنيا هم نمي‌تواند دليل خوبي براي تاثير آن كتاب در آدمي باشد. آدمي كه شكل كتاب مورد تعريفش نيست يا آن كتاب را نخوانده يا درست درك نكرده است.

خدا كند خوانندگان و تاثيرگيران نهج البلاغه بيشتر شود وگرنه آدم با آنچه اين روزها مي‌بيند و مي‌شنود دوباره ناگزير است زير لب زمزمه كند علي تنها است.

*حسن لطفی